



**بررسی و نقد قوانین پولی و بانکی کشور
و ارائه پیشنهاداتی اصلاحی
(در راستای افزایش استقلال بانک مرکزی)**

محمداسماعیل توسلی*

چکیده

با توجه به اینکه استقلال بانک مرکزی برای جلوگیری از تورّم و نیز اهتمام شارع به حفظ ارزش پول، امری ضروری است، این پژوهش در صدد پاسخ به این پرسش برآمده است که آیا انتظام نهادی و قوانین نظام جمهوری اسلامی ایران کفایت استقلال بانک مرکزی در جهت حفظ ارزش پول ملی و کنترل تورّم می‌کند؟ فرضیه اساسی تحقیق آن است که این قوانین و انتظام نهادی برای افزایش استقلال بانک مرکزی حرکت نمی‌کنند. این پژوهش با روش تحقیق توصیفی و تحلیلی و با مطالعه تطبیقی قوانین پولی برخی کشورهای دارای استقلال بانک مرکزی و قوانین پولی و بانکی و دیگر قوانین مربوطه جمهوری اسلامی ایران به این نتیجه رسیده است که قوانین پولی و بانکی و دیگر قوانین کشور در جهت افزایش استقلال بانک مرکزی برای رسیدن به ثبات قیمت‌ها و حفظ ارزش پول حرکت نمی‌کنند، بلکه برعکس هر چه بیشتر این شکاف را عمیق‌تر کرده و تسلط سیاست مالی بر سیاست پولی را تعمیق می‌بخشند. از این رو ضروری است زمینه برای اصلاحات عمیق و همه جانبه در قوانین پولی و بانکی و دیگر قوانین مربوطه کشور فراهم شود و با حصول تفکیک‌پذیری سیاست پولی از سیاست مالی اقتصاد کشور از تورّم‌های لجام گسیخته رها شده و زمینه رشد پایدار اقتصادی میسر شود. از این رو پیشنهاد‌های اصلاحی در این زمینه ارائه شده است.

کلمات کلیدی: استقلال بانک مرکزی، قانون پولی و بانکی K39 , E58 JEL:

مقدمه

استقلال بانک مرکزی به معنای امکان تجزیه پذیری سیاست پولی از سیاست مالی است. ضرورت ایجاد تمایز بین سیاست پولی و مالی زمانی بیش تر آشکار می شود که ضربه هایی از ناحیه تورم به اقتصاد کشور وارد شود. هر چه ضربه شدیدتر باشد، نیاز به استقلال بانک مرکزی بیش تر احساس می شود. همه با آثار ناگوار تورم و دلایل اساسی و منطقی برای هدف ثبات قیمت ها آشنا هستند. فردریک میشکین (۱۳۸۲، ۲۷) درباره مزایای ثبات قیمت ها می گوید، در سال های اخیر همگان به این امر که ثبات قیمت ها، نرخ تورم اندک و ثابت، مزایای فراوانی برای اقتصاد در بردارد، توافق کرده اند. ثبات قیمت ها از سرمایه گذاری بیش از حد در بخش مالی جلوگیری می کند، چرا که یک محیط تورمی شدید، سودآوری سرمایه گذاری بیش از حد را از طریق ایجاد واسطه گری - که موجب فرار افراد و شرکت ها از هزینه های تورمی می شود، افزایش می دهد. ثبات قیمت ها، نااطمینانی در مورد قیمت های نسبی و سطح قیمت های آینده را کاهش می دهد و اتخاذ تصمیم توسط افراد و شرکت ها را تسهیل می کند و در نتیجه باعث افزایش کارایی اقتصادی می شود و همچنین ثبات قیمت ها آشفتگی های ناشی از تعامل نظام مالیاتی و تورم را کاهش می دهد. تمام مزایای یاد شده به این مفهوم است که تورم پایین و ثابت می تواند حجم منابعی را که برای تولید در اقتصاد اختصاص داده شده است افزایش دهد و باعث افزایش نرخ رشد اقتصادی شود. در نتیجه، هم نظریه ها و هم شواهد حاکی از آن است که سیاست پولی باید به ثبات قیمت ها توجه کند. بنا به دلایل بالا، ثبات قیمت ها کمابیش در تمام کشورها به عنوان هدف اصلی سیاست گذاری پولی در نظر گرفته شده است. دستیابی به این مهم مستلزم توانایی استفاده از ابزارهای مؤثر و کارآمد در امر سیاست گذاری پولی است. اجرای درست سیاست گذاری پولی و به کارگیری هدفمند ابزارهای پولی نیز مستلزم شناسایی عوامل اصلی اثرگذار بر تورم است. با این همه، از آنجا که در کشوری مانند ایران بانک مرکزی

مستقل نیست، قدرت کنترل حجم پول و تأثیرگذاری بر متغیرهای کلان اقتصادی را از دست داده است و پیوسته با تورم و کاهش ارزش پول و بی‌ثباتی در سیاست‌های پولی روبه‌روست. در نتیجه نمی‌تواند آن کارکرد متوقع را داشته باشد و نقش خود را در جهت ثبات‌سازی ایفا کند.

افزون بر اینکه در نظام اسلامی براساس آموزه‌های اسلام، هدف سیاست پولی باید حفظ ارزش پول باشد. زیرا، پول از هر نوع و آنجا که به ویژه واحد پول امری قرار دادی و عهد و پیمانی اجتماعی است. قرآن کریم همان‌طور که از ظاهر جمله: *أَوْفُوا بِالْعُقُودِ* بر می‌آید، دستور اکید بر وفاکردن به عقود داده است. ظاهر این دستور عمومی است و شامل همه مصادیق می‌شود. این دستور هر چیزی که در عرف عقد و پیمان شمرده شود و تناسبی با وفا داشته باشد را در بر می‌گیرد. از این رو شامل پول هم که یک پیمان اجتماعی است می‌شود. اسلام رویکردی را که در باب رعایت عهد و پیمان دارد، منحصر در عهد اصطلاحی نکرده است بلکه حکم را آن قدر عمومیت داده است که شامل هر شالوده و اساسی که بر آن اساس بنایی ساخته می‌شود شود. بنابراین، براساس این آیه شریفه و دیگر ادله دینی حکم و اصل اولی رعایت مفاد اصل پایبندی و حفظ ارزش پول براساس مقیاسش است و لازم است رعایت شود. دولت اسلامی نمی‌تواند از آن بگذرد، مگر به حکم ثانوی و در جایی که شارع مقدس به واسطه مصلحت نظام، آن هم تا زمان وجود مصلحت به او اجازه داده باشد. بنابراین، اصل اولی در هدفگذاری سیاست‌های پولی در نظام اقتصادی اسلام باید حفظ ارزش پول براساس معیارش باشد و عدول از آن تنها در موارد اضطراری و اصل ثانوی مصلحت نظام امکانپذیر است. توجه داریم

که احکام اضطراری و مصلحتی کوتاه‌مدت و محدود بوده و تنها دایره مصلحت را شامل می‌شود.^۱

از این‌رو، بانک مرکزی دولت اسلامی باید بر انجام وظیفه و مأموریت اصلی‌اش یعنی حفظ ارزش پول پافشاری کند و دیگر نهادهای نظام به‌ویژه قوه مجریه، او را در انجام مأموریتش یاری رسانند. حال پرسش این است، آیا انتظام نهادی و قوانین و مقررات نظام جمهوری اسلامی ایران کفایت استقلال بانک مرکزی در جهت حفظ ارزش پول ملی می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا مروری کوتاه بر ادبیات دلایل تورم در ایران با تأکید بر حاکمیت سیاست مالی بر سیاست پولی خواهیم داشت. سپس تجربیات تعدادی از کشورها در مورد شاخصه‌های استقلال بانک مرکزی در جهت حفظ ارزش پول و ثبات قیمت‌ها بررسی می‌شود. سرانجام به بررسی قوانین پولی، بانکی و ترتیبات نهادی نظام جمهوری اسلامی ایران در این رابطه و لزوم بازنگری و اصلاح آن براساس مبانی نظام اقتصادی اسلام و آرایه پیشنهاداتی اصلاحی خواهیم پرداخت. روش تحقیق این پژوهش توصیفی و تحلیلی است.

۱- مروری بر ادبیات دلایل تورم در ایران

در مورد چرایی‌های تورم در ایران بررسی‌های انجام شده است. این دلایل پس از انقلاب گویای آن است که، عملیات مالی دولت با سیاست کسر بودجه بر متغیر حجم پول و نقدینگی تأثیر گذاشته و سرانجام با پولی شدن کسر بودجه، به‌طور مستقیم در ایجاد تورم دخالت داشته است. طبیبیان و سوری (۱۳۷۶، ص ۲۱) در پژوهشی با عنوان «بررسی متغیرهای کلان اقتصادی کشور» به این نتیجه رسیدند

^۱ محمد اسماعیل توسلی، هدف اصلی سیاست‌های پولی و نهاد تعیین‌کننده آن (در نظام اقتصادی اسلام)، فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، شماره ۶، ۱۳۹۲.

که به علت ساختار ویژه بودجه دولت در ایران، عملیات مالی دولت، بر متغیر حجم پول و نقدینگی اثر گذاشته و به طور مستقیم زمینه‌های تورم را فراهم کرده است. این دو با بررسی ساختار بودجه ایران بیان می‌کنند که یکی از ویژگی‌های ساختار بودجه، با ثبات بودن نسبی روند رشد هزینه‌های دولت به قیمت ثابت است. یعنی پیوسته بودجه دولت به قیمت ثابت، دارای روند افزایشی بوده و در نتیجه تأمین درآمدهای بودجه از طریق افزایش درآمدهای مالیاتی، یا از طریق تغییر نرخ تسعیر ریال تحقق یافته است. در این میان، درآمدهای مالیاتی سهم ناچیزی از درآمدهای دولت را تأمین کرده است. به عقیده این دو، یکی از ویژگی‌های نظام مالی کشور، ارتباط بودجه با متغیرهای پولی بوده است. به گونه‌ای که کسر بودجه‌ای که پیوسته به دلایل یادشده رخ داده، به بانک مرکزی منتقل شده و به ایجاد پول جدید انجامیده است. با نگاهی به ارقام کسر بودجه و بدهی بخش دولتی به شبکه بانکی می‌توان دید که تا سال ۱۳۶۷ کسر بودجه دولت به طور مستقیم با افزایش بدهی بخش دولتی به شبکه بانکی، انطباق داشته است. در سال‌های پس از ۱۳۶۷ کسری بودجه در ترازهای درآمد و هزینه دولت پنهان شده است. دلیل این امر نیز خارج کردن شرکت‌های بزرگ دولتی از جدول‌های بودجه و قراردادن آن‌ها در تبصره‌هایی است که بانک مرکزی را به پرداخت اعتبار به این گونه دستگاه‌ها مکلف می‌کند. بنابراین، از سال ۱۳۶۸ به بعد، کسر بودجه واقعی، همان رقم افزایش خالص بدهی دولت به شبکه بانکی کشور است.

در مورد تورم در ایران و علل آن، به ویژه رابطه آن با افزایش حجم پول و نقدینگی، بررسی‌های فراوانی دیگری هم انجام شده است. بیش‌تر این بررسی‌ها از پولی بودن تورم ایران نشان دارند و سایر عوامل از جمله عوامل مربوط به سمت عرضه یا فشار هزینه، آثار کم‌تری بر افزایش سطح عمومی قیمت‌ها داشته است. دادخواه (۱۹۸۵) نشان داده است که یک درصد افزایش در عرضه پول، به ۰/۷ درصد افزایش در سطح عمومی قیمت‌ها می‌انجامد. نیلی (۱۳۶۶) به این نتیجه

رسیده که ۱۰ درصد افزایش نقدینگی، سبب ۱۲ درصد افزایش در قیمت‌ها می‌شود. به اعتقاد نیلی، چون افزایش حجم پول به‌طور عمده از طریق ایجاد «پول بیرونی» بوده است، دارایی‌های بخش خصوصی از این طریق همواره در حال افزایش بوده، و طبیعی است که ضریب رشد نقدینگی بیش از یک باشد. ایکانی (۱۹۸۷) نشان داده است که ۱۰ درصد افزایش عرضه پول با حفظ ثبات عوامل دیگر، نرخ تورم را به میزان ۳ درصد افزایش می‌دهد. کمیجانی و بیدآباد (۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱) به این نتیجه رسیده‌اند که در بلندمدت، ۹۹ درصد از تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها، از افزایش حجم نقدینگی ناشی می‌شود. نائینی (۱۳۷۶) این نسبت را ۶۴ درصد برآورد کرده است. کمیجانی و علوی (۱۳۷۸) اثر بلندمدت رشد نقدینگی بر تورم را ۸۸ درصد و اثر میان آن را ۹۲ درصد برآورد کردند. همه این پژوهش‌ها جز یک مورد نشان می‌دهند رابطه محکمی بین رشد عرضه پول و تورم در ایران وجود دارد و مؤید این واقعیت هستند که تورم در ایران، پدیده‌ای پولی است.

نیلی و همکاران (۱۳۸۵، ص ۴۰) در کتاب «تحلیل تجربی تورم»، حاکمیت سیاست مالی بر سیاست پولی را موجب مخدوش شدن استقلال بانک مرکزی و بی‌انضباطی‌های زیادی در سیاست‌های پولی و پایداری تورم در ایران دانسته‌اند. پایداری تورم مانع از کاهش آن به سطوح قابل کنترل می‌شود. براساس این پژوهش، پایداربودن سطح تقاضای کل، بزرگ‌بودن اندازه دولت و اتکای فراوان آن به منابع بانکی، مستقل‌نبودن بانک مرکزی و پایین‌بودن درجه اعتبار سیاست‌های پولی، وجود انتظارات تورمی گذشته‌نگر و چسبندگی بودن دستمزدهای اسمی از مهم‌ترین علل پایداری تورم در ایران شمرده شده است.

۲- ضرورت استقلال بانک مرکزی (زمینه تاریخی)

بسیاری از ضرورت‌ها را انسان تنها هنگام روبه‌رو شدن با آن‌ها می‌پذیرد. برای مثال در کشور آلمان شاخص قیمت‌ها از سال ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۴ یک میلیارد

افزایش پیدا کرد. معنایش این است که آلمان در آن دوره بیش از یک میلیون درصد نرخ تورم داشته است. ارنست همینگوی نویسنده معروف آمریکایی که در زمان تورم بزرگ آلمان به عنوان خبرنگار در آنجا مقیم بود ضمن گزارشی درباره تورم مذکور می‌نویسد: «درحالی که زحمتکش و حقوق بگیر در تأمین حداقل نیازهای روزانه خود در مانده‌اند سود جویان در این بازار آشفته حداکثر استفاده را از فقر و نیاز مردم می‌برند. جواهر و اشیای گرانبیامت مردم با پول‌های کاغذی بی‌ارزش از دست آن‌ها خارج می‌شد و خانه‌ها و املاک مردم به علت نیاز آن‌ها با پول کاغذی که ارزش آن از چند صد دلار تجاوز نمی‌کند، معاوضه می‌شود سرمایه‌داران و صرافان یهودی از جمله کسانی هستند که از این وضع حداکثر استفاده را می‌برند» (کتابی، ۱۳۶۸ش، ۸۴).

علت این پدیده این بوده که دولت آلمان بعد از جنگ جهانی اول برای تأمین هزینه‌های خود نیاز به بودجه داشت و برای تأمین مالی راحت‌ترین راه دسترسی به بانک مرکزی بود. بنابراین از بانک مرکزی قرض گرفت و بر این اساس حجم پول و نقدینگی و به دنبال آن تورم به صورت لجام گسیخته افزایش یافت. بعد از این پدیده آلمان به این نتیجه رسید که باید اقدامی در جهت استقلال عملکرد بانک مرکزی انجام دهد و سیاست پولی از سیاست مالی متمایز شود.

از اینجا بود که مفهوم استقلال بانک مرکزی به معنای امکان تجزیه‌پذیری سیاست پولی از سیاست مالی وارد ادبیات اقتصاد شد. ضرورت ایجاد تمایز بین سیاست پولی و مالی و احساس نیاز به آن زمانی بیش‌تر می‌شود که ضربه‌هایی به اقتصاد کشور وارد شود. هر چه ضربه شدیدتر باشد نیاز به استقلال بانک مرکزی بیشتر احساس می‌شود. چنانچه در آلمان رخ داد.

براساس همین ایده بود که در معاهده شکل‌گیری نظام اروپایی بانک‌های مرکزی^۱ آمده که تنها وظیفه بانک مرکزی کنترل قیمت‌ها به‌گونه‌ای است که نرخ تورم از دو درصد بیش‌تر نشود و بانک مرکزی موظف شد استقلال لازم برای رسیدن به این هدف داشته باشد. از طرف دیگر در این معاهده بیان شد که بانک مرکزی باید شفاف و پاسخگو باشد تا افکار عمومی را قانع کند، اقداماتی که انجام داده اقدامات مقتضی بوده و ثبات قیمت‌ها را به‌دنبال داشته باشد. به‌تبع آن بسیاری از کشورها در اروپا و دیگر نقاط جهان قوانین بانک مرکزی خود را اصلاح کردند. حتی کشوری مانند ترکیه در پی نرخ تورم بالای صددرصد در سال ۱۹۸۰ و با الگوی‌برداری از این مسئله در سال ۲۰۰۱ به این نتیجه رسید که قانون جدیدی تصویب کند. در اکثر کشورها استقلال بانک مرکزی با کاهش سطح تورم توأم شد. زیرا قدرت بانک مرکزی در انجام یکی از مهم‌ترین وظایفش یعنی حفظ ارزش داخلی و خارجی پول ملی افزایش یافت. شایان به ذکر است که استقلال بانک مرکزی برای حفظ ارزش پول شرط لازم است، لیکن شرط کافی نیست. چون، موفقیت سیاست‌های پولی زمانی تضمین می‌شود که به همراه آن سیاست‌های مناسب ارزی و مالی هم اتخاذ شود.

۳- بررسی قوانین پولی و سامان نهادی برخی کشورها

با توجه به پا برجا بودن نظریه رابطه تورم با سیاست‌های پولی، اکثر کشورها در قوانین پولی و بانکی خودشان نسبت به افزایش استقلال بانک مرکزی اقدام کردند و نسبت به تحقیق اصلی‌ترین وظیفه بانک مرکزی، یعنی حفظ ثبات قیمت‌ها سیاست‌های خوبی اتخاذ کردند. در نتیجه نرخ تورم را به پایین‌ترین سطح ممکن

^۱ ESCB: European System of Central Banks

در چند دهه اخیر رساندند. اینک به بررسی این قوانین و انتظام در جهت افزایش استقلال بانک مرکزی می‌پردازیم.

۱-۳- اعلام استقلال بانک مرکزی و محورهای اصلی آن

اعلام استقلال بانک مرکزی می‌تواند در قالب قانون اساسی، یک قانون خاص مثلاً در قوانین برنامه‌های توسعه و یا یک توافق باشد. برای مثال شیلی (۱۹۸۰)^۱ و فیلیپین (۱۹۸۷)^۲ استقلال بانک مرکزی خود را در قانون اساسی آوردند. اکثر کشورها از طریق وضع قانون به‌وسیله مجلس به بانک مرکزی استقلال می‌بخشند. لیکن مشکل اینجا است که مجلس همواره می‌تواند یک قانون را لغو و یا اصلاح کند و این موجب بی‌ثباتی است، در صورتی که اصلاح قانون اساسی دارای روندی طولانی و پیچیده است.

۲-۳- تعیین هدف واحد برای بانک مرکزی

یکی از محورهای اصلی اصلاح ساختار بانک‌های مرکزی در جهت افزایش استقلال مشخص کردن یک هدف واحد و واضح در جهت ثبات قیمت‌هاست. کشورهایی که استقلال قانونی بانک مرکزی را در نظر گرفته‌اند، هدف اصلی و واحد بانک مرکزی را تنها تثبیت قیمت‌ها قرار داده‌اند. در قانون شیلی (۱۹۸۹) به حفظ ثبات پول کشور و عملکرد روان و بدون مشکل پرداخت‌های داخلی و خارجی تأکید شده است. قانون آرژانتین (۱۹۹۲)^۳ هدف را حفاظت از ارزش پول کشور بیان می‌کند. قانون ترکیه (۱۹۷۰)^۴ در ماده ۴ که در سال ۲۰۰۱ اصلاح شده هدف اولی بانک را ثبات سطح عمومی قیمت‌ها و حفظ آن برشمرده است و در صورتی از

^۱ Law of the Central Bank of Chile, 1989.

^۲ Law of the Central Bank of Philipinen, 1993.

^۳ Law of the Central Bank of Argentina, 1992

^۴ The Law of the Central Bank of the Republic of Turkey No, 1211, 1970

سیاست‌های رشد و توسعه دولت حمایت خواهد کرد که با هدف ثبات قیمت‌ها در تضاد نباشد. قانون پولی مالزی (۲۰۰۹)^۱ هدف اصلی را بالا بردن ثبات پولی و مالی برای رسیدن به رشد پایدار برای اقتصاد مالزی در نظر گرفته است. قانون پولی افغانستان (۲۰۰۳)^۲ در بند ۱ ماده ۳، هدف اصلی بانک مرکزی را وصول و حفظ ثبات سطح قیمت‌ها مقرر کرده است.

اعلام یک هدف واحد (یا یک هدف اصلی) نسبت به اهداف متعدد مسئولان را قادر می‌سازد که به‌طور مؤثرتری عملکرد بانک را کنترل کنند. در یک هدف واحد، کنترل هدفی که دامنه اندکی را در بر دارد نسبت به کنترل هدفی با ابعاد گسترده‌تر ساده‌تر است. حمایت از سیاست کلی اقتصادی جامعه بدون تأکید بر ثبات قیمت‌ها ممکن است چرخیدن به دور خود باشد. اهداف متعدد و یا اهدافی که درست و واضح تعریف نشده‌اند باعث تضعیف استقلال بانک مرکزی و اعتبار سیاست پولی آن خواهد شد.

۳-۳- استقلال سیاسی

یکی دیگر از محورهای اصلی استقلال بانک مرکزی استقلال سیاسی است. مهم‌ترین بحث‌ها در این محور یکی رکن بودن ریاست کل و مهم‌تر از آن شیوه انتخاب ریاست کل و مدت خدمت او است و دیگری در مورد ترکیب شورای سیاستگذاری پولی است. بدین منظور قوانین پولی برخی کشورها را مورد ملاحظه قرار می‌دهیم.

^۱ Laws of Malaysia Act701,2009

^۲ Law of Afghanistan Bank 2003.

۱-۳-۳- قانون پولی اتریش (۱۹۸۴)^۱

مقام رئیس کل بانک مرکزی اتریش بسیار مستقل است. وی نه در برابر پارلمان یا دولت بلکه در برابر افکار عمومی جامعه باید پاسخگو باشد. رئیس کل از سوی رئیس جمهور منصوب می شود و مدت خدمت وی ۵ سال است. در این قانون اتخاذ و اجرای سیاست های پولی و اعتباری بر عهده هیأت مدیره بانک مرکزی گذاشته شده است. چنانچه هیئت مدیره بانک مرکزی یا هر یک از اعضای آن احساس کنند که از سوی دولت در کار آنها مانع ایجاد شده یا دخالت صورت می گیرد، می توانند یک هیئت مصالحه درخواست کنند.

ترکیب هیئت مدیره بانک مرکزی اتریش به شرح ذیل است: رئیس کل، ۲ نفر معاون رئیس کل، ۶ نفر منصوب از سوی مجمع عمومی بانک مرکزی و ۵ نفر منصوب از سوی دولت فدرال هستند. در ترکیب هیأت مدیره بیش از ۴ بانکدار فعال نمی توانند حضور داشته باشند. مدت خدمت تمام اعضا ۵ سال است. ماده ۴۲ در جهت استقلال بانک مرکزی به روشنی بیان می کند که هیچ معامله ای نباید در برگیرنده اعطای وام و اعتبار از سوی بانک مرکزی به دولت باشد.

۲-۳-۳- قانون پولی ترکیه^۲

براساس این قانون ارکان بانک مرکزی عبارتند از: اول- مجمع عمومی، دوم- هیأت مدیره، سوم- شورای سیاستگذاری پولی، چهارم- کمیته حسابرسی، پنجم- منصب ریاست، ششم- هیئت اجرایی.

براساس ماده ۱، بانک مرکزی ترکیه به صورت شرکت سهامی با امتیاز انحصاری نشر اسکناس است. ۵۱ درصد سهام این بانک متعلق به دولت و بقیه سهام آن متعلق به بانک های ملی، غیرملی، مؤسسات تجاری و اشخاص حقیقی و حقوقی

^۱ The Money and Banking Act, National Bank of Austria (1984)

^۲ The Law of the central Bank of the republic of Turkey No, 1211, 1970.

می‌باشد. در ماده ۱۴ آمده که مجمع عمومی بانک مرکب از سهامدارانی است که سهام بانک مرکزی را خریده‌اند. براساس این ماده هر شخصی که ده سهم داشته باشد دارای یک رأی است. ریاست مجمع با رئیس کل بانک مرکزی است.

در ماده ۱۹ اصلاح شده در ۲۰۰۱ آمده که هیأت مدیره بانک مرکب از رئیس کل و شش نفر عضو است که به وسیله مجمع منصوب شده‌اند. در مورد تعیین هدف ماده ۴ تصریح دارد که بانک مرکزی بایستی به همراه دولت هدف تورم را تعیین کند و برای رسیدن به هدف تعیین شده سیاست مناسب پولی آن را اجرا کند. براساس این ماده بانک مرکزی تنها نهاد مجاز به استفاده از سیاست پولی و پاسخگو در برابر آن است. در بند ۳ تبصره ۲ ماده ۴ به استقلال در ابزار اجرای سیاست پولی از طرف بانک مرکزی تصریح شده است. در این بند آمده بانک به هدف رسیدن و حفظ ثبات قیمت‌ها مجاز به استفاده از ابزارهای سیاست‌های پولی است که در این قانون تعریف شده و همچنین مجاز است به طور مستقیم دیگر ابزارهای پولی را که مناسب تشخیص می‌دهد خود تعیین کند و به کار ببرد.

در ماده ۱۹ در مورد توانایی‌های اعضای هیأت مدیره بیان می‌دارد که اعضای هیأت مدیره لازم است از آموزش‌های عالی و دانش و تجربه کافی در زمینه بانکداری یا دیگر زمینه‌های مربوط به اقتصاد و امور مالی برخوردار باشند.

یکی دیگر از ارکان مهم بانک مرکزی ترکیه شورای سیاستگذاری پولی است. اعضای این شورا عبارت‌اند از: اول- رئیس کل بانک مرکزی که رئیس شورا است، دوم- نایب رئیس بانک مرکزی، سوم- یک نفر از میان اعضای هیأت مدیره با انتخاب خودشان، چهارم- یک عضو منصوب از طرف رئیس کل بانک مرکزی پنجم- معاون خزانه‌داری یا قائم مقام وی که بدون رأی در شورا شرکت می‌کند. عضو منصوب رئیس کل که با توافق مشترک وارد شده بایستی مطالعاتی در موضوعات و مسائل سیاست‌های پولی داشته باشد و یکی از مدارک دانشگاهی در زمینه‌های اقتصاد، بازرگانی، مدیریت، بانکداری و یا تأمین مالی را داشته باشد. ضمن این که در

زمینه مربوط حداقل ده سال کارکرده باشد و تجربیات و دانش لازم را به دست آورده باشد. دوره کاری این عضو می‌تواند ۵ سال باشد دوره کاری دیگر اعضای شورا سیاستگذار پولی به همراه شروع و ختم دوره کاری ریاست کل است. اختیارات و وظایف شورای سیاستگذاری پولی عبارت است از:

الف- تعیین وصول و خط مشی‌های سیاست پولی به هدف وصول ثبات قیمت‌ها و حفظ آن.

ب- هدفگذاری نرخ تورم به همراه دولت در راستای خط و مشی‌ها

ج- تهیه و تدارک اقدامات و پیش‌بینی‌های ضروری برای حمایت از ارزش پول داخلی و خارجی لیر ترکیه و اجرای سیاست نرخ ارز برای حفظ لیر ترکیه در برابر طلا و ارزهای خارجی با همکاری مشترک دولت تصمیمات شورای سیاستگذاری با هیأت مدیره عرضه شده و به وسیله رئیس کل اجرا شود.

۳-۳-۳- قانون پولی مالزی (۲۰۰۹)^۱

ارکان بانک مرکزی مالزی عبارت است از: اول- هیئت مدیره دوم- رئیس کل و قائم‌مقام وی سوم- شورای سیاستگذاری پولی چهارم- کمیته نظار پنجم- کمیته حسابرسی ششم- کمیته ریسک.

ماده ۱۴ بیان می‌کند که بانک مرکزی مالزی باید دارای یک هیأت مدیره به شرح ذیل باشد. اول- رئیس کل دوم- کمتر از سه نفر معاون سوم- کمتر از ۸ و بیش از تر از ۵ نفر خبره و مدیر.

در ماده ۱۵ بند ۱ آمده رئیس کل به وسیله پادشاه مالزی و قائم‌مقام‌ها توسط هیأت وزیران منصوب شوند. در ماده ۲۳ بند ۲ آمده، سیاست پولی بانک می‌بایست با استقلال کامل بدون هیچ‌گونه فشار خارجی توسط خود بانک اتخاذ شود. در این

^۱ Laws of Malaysia Act 701,2009

قانون یک شورای سیاست پولی پیش‌بینی شده است که وظیفه‌اش تنظیم سیاست پولی و هدایت و اداره کردن عملیات مربوط به آن است این شورا مرکب از اعضای زیر است: اول- رئیس کل بانک مرکزی دوم- معاونین رئیس کل کمتر از ۷ و بیش‌تر از ۳ نفر که ممکن است از میان افراد مدیر و خبره ماده ۱۴ انتصاب شوند. نخست وزیر ممکن فردی را در شورا منصوب کند البته با پیشنهاد هیئت مدیره.

۴-۳-۳- قانون پولی کره جنوبی (۱۹۹۸)^۱

قانون جدید پولی و بانکی کره جنوبی از سال ۱۹۹۸ به مرحله اجرا گذاشته شده است. به موجب ماده ۳ این قانون استقلال بانک مرکزی در اتخاذ و اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری بدون تأثیر پذیرفتن از هیچ قدرتی تضمین گردیده است. تأکید همراهی بانک مرکزی با سازوکار بازار و همچنین شفاف‌بودن عملکرد بانک مرکزی موارد ۴ و ۵ این قانون را تشکیل می‌دهند.

کمیته سیاست‌گذاری پولی شامل ۷ عضو به شرح ذیل است:

اول- رئیس کل بانک مرکزی، دوم- یک نفر به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی، سوم- یک نفر به پیشنهاد رئیس کمیته نظارت مالی، چهارم- یک نفر به پیشنهاد وزیر اقتصاد و دارائی، پنجم- یک نفر به پیشنهاد رئیس اطاق صنایع و بازرگانی کره جنوبی، ششم- یک نفر به پیشنهاد رئیس فدراسیون بانک‌های کره جنوبی، هفتم- یک نفر به پیشنهاد رئیس اتحادیه کارگزاران اوراق بهادار کره جنوبی.

در این قانون رئیس کل بانک مرکزی رئیس شورای سیاست‌گذاری پولی است و به پیشنهاد اعضای دولت و توسط رئیس‌جمهور منصوب می‌شود. مدت دوره خدمت کلیه اعضا ۴ سال است. پس از اتمام دوره امکان انتصاب مجدد آن‌ها وجود خواهد داشت. به موجب ماده ۲۲ این قانون، معاون و دستیاران رئیس کل بانک

^۱ The Bank of Korea Act, 1998

مرکزی می‌توانند در جلسات شورا شرکت کرده و اعلام‌نظر کنند و همچنین شورا می‌تواند در صورت لزوم از کارشناسان و متخصصان گوناگون برای شنیدن نظراتشان دعوت کند. رئیس بانک مرکزی در جلسات هیئت دولت شرکت کرده و در زمینه مسائل پولی نظر می‌دهد. معاون وزیر اقتصاد و دارایی نیز می‌تواند در جلسات شورای سیاستگذاری پولی شرکت کرده و بحث و تبادل نظر بپردازد. چنانچه تصمیم‌های متخذه در زمینه سیاست‌های پولی با اهداف اقتصادی دولت در تضاد باشد، وزیر دارایی می‌تواند درخواست تجدیدنظر نماید و این درخواست باید به اطلاع عموم برسد. حال چنانچه شورای سیاستگذاری پولی با رأی حداقل ۵ نفر از اعضا درخواست وزیر دارایی را نپذیرند و بر تصمیم قبلی خود پافشاری نمایند اخذ تصمیم نهایی با رئیس‌جمهور خواهد بود.

تجربه کشورهای ذکر شده نشان می‌دهد بانک‌های مرکزی مستقل از مسئولیت بیش‌تری در قبال جامعه برخوردارند از طرف دیگر تصمیمات گرفته شده در حد بالایی شفاف بوده و به اطلاع عموم می‌رسد. بنابراین ترکیبی از شفافیت، مسئولیت و پاسخگویی در برابر افکار عموم از ویژگی‌های عمده یک بانک مرکزی مستقل است.

۴- بررسی و نقد قوانین پولی، بانکی و ترتیبات نهادی نظام جمهوری اسلامی ایران

بانک مرکزی ایران در سال ۱۳۳۹ تأسیس شده است. قانون پولی و بانکی ناظر بر مقررات این بانک نیز مصوب ۱۳۵۱ است. تنها جزییاتی از آن در برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تغییر کرده است.

۴-۱- هدف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

هدف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در ماده ۱۰ قانون پولی و بانکی کشور عبارت است از: حفظ ارزش پول و موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی و

کمک به رشد اقتصادی کشور. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد داشتن اهداف متعدد و غیرشفاف باعث تضعیف استقلال بانک مرکزی و اعتبار سیاست‌های پولی آن خواهد شد.

در ماده (۱۲)، بانک مرکزی بانکدار دولت معرفی شده است و انجام عملیات بانکی وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی بر عهده بانک مرکزی است. این موضوع نشانگر وابستگی مستقیم بانک مرکزی به دولت است. ماده (۱۶) قانون پولی و بانکی کشور ارکان بانک مرکزی را به شرح ذیل معرفی می‌کند: اول- مجمع عمومی، دوم- شورای پول و اعتبار، سوم- هیئت عامل، چهارم- هیئت نظارت براندرخته اسکناس، پنجم- هیئت نظار

مهم‌ترین ارکان در راستای افزایش استقلال بانک مرکزی به ترتیب اولویت عبارتند از: ۱- رئیس کل بانک مرکزی و شیوه انتصاب آن ۲- چگونگی ترکیب شورای پول و اعتبار. ترکیب مجمع عمومی و هیأت عامل در مراتب بعدی هستند.

۲-۴- رئیس کل بانک مرکزی

در مورد رئیس کل بانک مرکزی به‌عنوان رکنی از ارکان بانک مرکزی در هیچ جایی از قوانین و مقررات پولی کشور اشاره نشده است. این درحالی است که در قوانین پولی و بانکی اکثر کشورهایی که بانک مرکزی مستقل دارند رئیس بانک مرکزی به‌عنوان یکی از ارکان بانک مرکزی در کنار دیگر ارکان معرفی شده است. از جمله معیارهای مهم میزان استقلال بانک مرکزی است ریاست مجمع عمومی بانک مرکزی است که در بسیاری از کشورها بر عهده ریاست کل بانک مرکزی است. لیکن در قوانین پولی و بانکی کشور رئیس کل تنها به‌عنوان رئیس هیئت عامل معرفی شده است و حتی در ترکیب شورای پول اعتبار قانون برنامه سوم توسعه گرچه به‌عنوان رئیس شورا معرفی شده، لیکن در ترکیب بعد از وزیر امور اقتصاد و دارایی و رئیس سازمان برنامه و بودجه قرار گرفته است. در برنامه چهارم این

جایگاه اندکی ارتقا یافته و بعد از وزیر اموراتقتصاد و دارایی قرار گرفت. در برنامه پنجم توسعه هم این ترکیب به همین شکل بوده و اصلاح نشده بلکه دو تا وزیر دیگر هم به ترکیب اضافه شدند.

چگونگی تعیین رئیس کل بانک مرکزی کشور با اختیارات زیادی که قانون به آن داده است جالب توجه است. در ماده ۱۹ قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱ رئیس کل بانک مرکزی و قائم مقام به پیشنهاد وزیر اموراتقتصادی و دارایی و تأیید مجمع عمومی بانکها و تصویب هیأت دولت برای مدت ۵ سال تعیین می شود. مشکل اینجاست که در پی تغییر اعضای هیأت دولت، احتمال تغییر رئیس کل و قائم مقام قانونی او نیز وجود دارد. در نتیجه اجرای کارآمد سیاستهای پولی تضعیف می شود و جایگاه ریاست کل در حد یک کارمند معمولی قرار می گیرد.

به خاطر درک این مهم بود که در قانون برنامه چهارم توسعه این ماده اصلاح شده و رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به پیشنهاد رئیس جمهور و بعد از تأیید مجمع عمومی بانک مرکزی با حکم رئیس جمهور منصوب می شود. قائم مقام بانک مرکزی نیز به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی و پس از تأیید مجمع عمومی با حکم رئیس جمهور منصوب می شود. با این که مقام رئیس کل بانک مرکزی با این اصلاحیه ارتقا یافته است، لیکن همچنان تمام کسانی که در تعیین رئیس کل بانک مرکزی و قائم مقام او دخالت دارند کاملاً وابسته به دولت هستند و هیچ نظارت قانونی خارج از دولت بر انتصاب آنها، وجود ندارد.

یکی از مراجع مهم در گزینش رئیس کل بانک مرکزی مجمع عمومی بانک مرکزی است که کاملاً دولتی است. زیرا اعضای این مجمع عبارتند از اول - رئیس جمهور (که ریاست مجمع است)، دوم - وزیر اموراتقتصادی و دارایی، سوم - ریاست سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور^۱، چهارم - وزیر بازرگانی، پنجم - یک نفر از وزراء به

^۱ که هم اکنون «معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور» است

انتخاب هیئت وزیران البته اعضای سایر ارکان بانک در جلسات و مذاکرات بدون حق رأی شرکت دارند. همان‌گونه ملاحظه می‌شود ترکیب اعضای اصلی مجمع بانک کاملاً دولتی هستند و هیچ فرد مستقل از دولت در آن حضور ندارد.

۳-۴- ترکیب شورای پول و اعتبار

یکی از ارکان مهم بانک مرکزی شورای پول و اعتبار است. این شورا نقش مهمی در تعیین سیاست‌های پولی و اعتباری دارد و بخش اصلی قوانین و سیاست‌های پولی و اعتباری کشور و رسیدگی به ترازنامه بانک مرکزی توسط این شورا انجام می‌پذیرد. شورای پول و اعتبار همچنین براساس وظایف محوله متغیرهایی مانند نرخ سود بانکی اعم از نرخ سود سپرده‌ها و نرخ سود تسهیلات، نرخ ذخیره قانونی، تعیین حق‌الوکاله شبکه بانکی، تعیین سهم بخش‌ها از تسهیلات، تأیید و تصویب وام به اشخاص حقیقی و حقوقی از منابع مختلف را البته با تصویب هیئت وزیران تعیین می‌کند. نگاهی به ترکیب شورای پول و اعتبار میزان استقلال آن را در اتخاذ چنین تصمیم‌های مهمی بهتر روشن می‌کند. آخرین تغییرات در ترکیب شورای پول و اعتبار مربوط به برنامه چهارم توسعه است که در برنامه پنجم به همان شکل تنها با دو تغییر غیر مهم که وابستگی به دولت را بیش‌تر کرده تکرار شده است. در ماده ۱۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ترکیب اعضای شورای پول و اعتبار به شرح زیر آمده است:

اول- وزیران امور اقتصادی و دارایی، دوم- رئیس کل بانک مرکزی (رئیس شورا)، سوم- رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یا معاون اقتصادی وی، چهارم- وزیر بازرگانی، پنجم- دو نفر کارشناس و متخصص پولی و بانکی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی و تأیید ریاست جمهوری، ششم- دادستان کل کشور یا معاون وی، هفتم- رئیس اتاق بازرگانی و صنایع معادل، هشتم- رئیس اتاق تعاون، نهم-

نمایندگان کمیسیون‌های اموراتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی (هر کدام یک نفر) به‌عنوان ناظر به انتخاب مجلس شورای اسلامی. در برنامه پنجم توسعه دو تغییری که صورت گرفته عبارت است از این که دو تن از وزرا به انتخاب هیأت وزیران به ترکیب شورا اضافه شدند و تعدادشان به حدود ۱۴ نفر رسید و عنوان رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور تغییر یافته است. با دقت در ترکیب شورا می‌توان به‌وضوح ملاحظه کرد که این شورا اولاً تعدادشان خیلی زیاد است، درحالی‌که بانک‌های مرکزی مستقل تعداد اعضای شورا نوعاً بین ۵ تا ۷ نفر هستند. ثانیاً، این شورا بیش‌تر از نمایندگانی از دولت تشکیل شده است و تنها سه عضو آن می‌تواند متخصص پولی و بانکی باشد (رئیس‌کل و دو نفر عضوی که وی معرفی می‌کند). حضور مستقیم اعضای دولت و کمبود متخصص پولی و بانکی از یک طرف سبب اشغال پست‌های عضویت شورا توسط افراد با متخصص و تجربیات غیرمرتبط و ناکافی می‌شود و از طرف دیگر تحت تسلط منافع دستگاهی و بخشی، تصمیمات شورا خدشه‌دار می‌شود. همچنین این کار با دخالت دادن نهادهای مختلف کشور در فرایند تصمیم‌گیری موجب نبود متولی و مسئول مشخصی برای تصمیمات و عدم پاسخگویی در قبال عواقب اجرای سیاست‌ها است. جالب توجه این که اگر ریاست کل قانون در برنامه چهارم به‌خاطر معرفی دو نفری که اختیار داشت و می‌توانست دو رأی داشته باشد در قانون برنامه پنجم با اضافه‌شدن دو وزیر به ترکیب شورا این دو رأی هم خنثی شده است. ضمن این که جایگاه سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به سطح معاونت کاهش یافته و همه اینها در مجموع سیطره سیاست مالی بر سیاست پولی را تشدید کرده و امکان تفکیک آن‌ها وجود نخواهد داشت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ثبات قیمت‌ها تقریباً در کلیه کشورها به‌عنوان هدف اصلی سیاست‌گذاری پولی در نظر گرفته شده است. افزون بر این که در نظام اسلامی براساس آموزه‌های اسلام هدف سیاست پولی باید حفظ ارزش پول باشد. از این‌رو، بانک مرکزی دولت اسلامی باید بر انجام وظیفه و مأموریت اصلی‌اش یعنی حفظ ارزش پول پافشاری کند و دیگر نهادهای نظام به ویژه قوه مجریه، او را در انجام مأموریتش یاری رسانند. پرسش اساسی این است، آیا قوانین، مقررات و ترتیبات نهادی نظام جمهوری اسلامی ایران کفایت حفظ ارزش پول می‌کند؟ پاسخ آن است که این قوانین و مقررات و نهادها در جهت افزایش استقلال بانک مرکزی برای رسیدن به ثبات قیمت‌ها و حفظ ارزش پول که مورد اهتمام شدید شارع مقدس است حرکت نمی‌کنند، بلکه برعکس هرچه بیشتر این شکاف را عمیق‌تر کرده و تسلط سیاست مالی بر سیاست پولی را تعمیق می‌بخشند. از این‌رو ضروری است همه صاحبان فکر و اندیشه و قدرت عوارض و آثار منفی غیرقابل جبران این تعمیق را از منظرهای گوناگون شکافته و در معرض عموم قرار دهند تا به تدریج توافق جمعی برای اصلاحات عمیق و همه‌جانبه در قوانین پولی و بانکی کشور فراهم شده و با حصول تفکیک‌پذیری سیاست پولی از سیاست مالی اقتصاد کشور از تورم‌های لجام‌گسیخته رها شده و زمینه رشد پایدار اقتصادی میسر شود.

به‌تازگی مجلس شورای اسلامی برای برهم‌زدن ترکیب شورای پول و اعتبار و تخصصی‌کردن بیشتر آن لایحه‌ای اصلاحی را پیشنهاد داده است که در آن تعدادی کارشناس پولی و بانکی و بخش خصوصی به ترکیب اضافه شدند. اما از آنجا که از مبانی اصولی کافی و مستحکم برخوردار نبود در همان مراحل اولیه از دستور کار خارج شد. این درحالی است که اول آنکه قانون پولی نیازمند یک دگرگونی اساسی و ریشه‌ایست و با ترمیم‌های مختصر مشکلش بر طرف نمی‌شود. دوم آنکه، هر پیشنهادی برای اصلاح قانون پولی و بانکی در نظام جمهوری اسلامی می‌بایست اساس و پایه فقهی و اقتصادی محکم داشته باشد و هر تغییری در آن باید به یکی

از آن مبانی فقهی و اقتصادی استناد داده شود. همان‌گونه که پایه و اساس استقلال بانک مرکزی در غرب بر اندیشه‌های فلسفی و اقتصادی آن‌ها استوار است، نظام اسلامی هم باید ارکان بانک مرکزی و اهداف پولی‌اش را بر مبانی مستحکم فقهی اسلام و قوانین شناخته شده اقتصاد بنا کند. چیزی که هم‌اکنون به آن نیاز داریم فقه بانکداری مرکزی است تا براساس آن بتوان الگویی اسلامی برای استقلال بانک مرکزی در نظام جمهوری اسلامی پیشنهاد داد. این که منصب ریاست کل بانک مرکزی باید از ارکان آن باشد و شخص رئیس کل دارای چه ویژگی‌هایی باشد و چگونه منصوب شود و اینکه اعضای شورای پول و اعتبار چه کسانی باشند و دارای چه شرایطی، پاسخ به هر یک از این‌ها باید مستند به حداقل یکی از مبانی فقهی و معرفتی اسلام باشد. در این صورت می‌توان طرح پیشنهادی اصلاحی را مبنایی و اصولی دانست و انتظار داشت به بحث گذاشته شده و مورد توافق قرار گیرد.

برخی از مهم‌ترین پیشنهادهای برای اصلاح قانون بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اهداف و مأموریت‌ها، وظایف و اختیارات

اهداف و مأموریت‌های بانک مرکزی به شرح زیر است:

الف- تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها و حفظ ارزش پول ملی

ب- ساماندهی و نظارت بر نظام پولی و بانکی کشور بر مبنای ضوابط اسلامی

ج- تنظیم و اجرای سیاست‌های با ثبات پولی در جهت تثبیت سطح عمومی

قیمت‌ها و کمک به رشد و توسعه اقتصادی پایدار

تبصره: هدف اصلی بانک مرکزی حفظ ارزش پول ملی است. دیگر اهداف

اقتصادی کلان در صورتی دنبال خواهد شد که با هدف اصلی در تضاد نباشد.

الف- ارکان

بانک مرکزی دارای ارکان زیر است:

الف- مجمع عمومی

ب- هیئت مدیره

ج- منصب رئیس کل بانک مرکزی

د- هیئت فقهی و نظارت شرعی

ه- هیئت سیاستگذاری پولی و بانکی

و- هیئت نظارت مؤسسات اعتباری

ز- هیئت نظارت اندوخته اسکناس

ک- هیئت نظارت و حسابرسی

ب- مجمع عمومی بانک مرکزی

الف- مجمع عمومی بانک مرکزی از رئیس کل بانک مرکزی، معاون اول رئیس جمهور، وزیر اموراتصادی و دارایی، وزیر بازرگانی و نماینده ولی فقیه تشکیل می‌شود. ریاست مجمع عمومی بانک مرکزی با رئیس کل بانک مرکزی است. ب- اعضای سایر ارکان بانک در جلسات و مذاکرات مجمع عمومی بدون حق رأی شرکت می‌کنند.

ج- رئیس کل بانک مرکزی

رئیس کل بانک مرکزی به پیشنهاد رئیس جمهور و تأیید مجمع عمومی بانک مرکزی و با حکم ولی فقیه به مدت پنج سال منصوب می‌شود. تبصره: رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران باید کارشناس و متخصص پولی، بانکی و فقهی در سطوح بالای دانشگاهی و حوزوی باشد.

د- شورای سیاستگذاری پولی و بانکی

اعضای شورای سیاستگذاری پولی و بانکی عبارت‌اند از:

الف- رئیس کل بانک مرکزی به‌عنوان رئیس شورا

ب- یکی از معاونان وزیر امور اقتصادی و دارایی به انتخاب وی با تخصص پولی و بانکی

ج- یک نفر کارشناس و کارشناس پولی و بانکی دانشگاهی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی

د- یک نفر از اعضای شورای فقهی و نظارت شرعی

ه- دبیر کل کانون بانکها

و- یک نفر از هر کدام از کمیسیون‌های اقتصادی و برنامه و بودجه مجلس شورای اسلامی

ه- شورای فقهی و نظارت شرعی

الف- شورای فقهی و نظارت شرعی به هدف تضمین سلامت شرعی نظام پولی و بانکی و تحقیق و توسعه بانکداری اسلامی و معرفی ابزارهای نوین مالی و اسلامی عهده دار وظایف زیر است:

الف- ارائه پیشنهادهای اصلاحی در زمینه قوانین، آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به بانکداری اسلامی به مراجع صلاحیت‌دار

ب- نظارت بر جوانب شرعی اجرای عملیات بانکداری اسلامی

ج- ارزیابی، طراحی و معرفی ابزارهای نوین بانکداری اسلامی

و- تعامل با مراجع و فقهای عظام

ز- اعلام نظر درباره موارد اختلافی مابین نهادهای نظارتی و اجرایی کشور

ح- بررسی پیشنهادهای ارجاعی در زمینه‌های مختلف منطبق با شرع مقدس اسلام

- ط- ارائه چارچوب‌ها و استانداردهای کمی و کیفی انطباق عملیات بانکی با شریعت اسلام
- ی- همکاری در توسعه و گسترش برنامه‌های آموزشی و انتشارات علمی در زمینه نظام مالی اسلامی
- ک- انجام سایر موارد ارجاعی به شورا
- ب- ترکیب شورای فقهی و نظارت شرعی به شرح زیر است:
- شش نفر فقیه آشنا به مسائل پولی و بانکی، دو نفر اقتصاددان، دو نفر کارشناس مسائل بانکی، یک نفر حقوقدان.

کتابنامه

الف - فارسی

قرآن کریم.

کتابی، احمد: *تورم علل و آثار و راه‌های مقابله با آن*، اقبال، تهران، ۱۳۶۸.

توسلی، محمداسماعیل: *هدف اصلی سیاست‌های پولی و نهاد تعیین‌کننده آن (در نظام اقتصادی اسلام)*، فصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، شماره ۶، ۱۳۹۲.

طیبیان، محمد و داود سوری: *بررسی تحولات متغیرهای کلان اقتصادی کشور، در اقتصاد ایران*، تدوین و تنظیم مسعود نیلی، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، تهران، ۱۳۷۶.

قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰ش).

قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸-۱۳۸۴ش).

قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳-۱۳۷۹ش).

قانون پولی و بانکی کشور، مصوب ۱۳۳۹.

قانون پولی و بانکی کشور، مصوب ۱۳۵۱ ش (با اصلاحات سال های بعد)،
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران.

جلالی نائینی، سید احمدرضا: **بررسی روند تورم و سیاست های پولی،**
ارزی و اعتباری در: اقتصاد ایران، تدوین و تنظیم دکتر مسعود نیلی، مؤسسه
عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، تهران، ۱۳۷۶.

کميجانی، اکبر و سید محمود علوی: **اثر متقابل رشد و تورم در ایران: یک**
تحلیل اقتصادسنجی با تأکید بر علل تورم و منابع رشد، نهمین کنفرانس
سیاست های پولی و ارزی - مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی - تهران، ۱۳۷۸.

کميجانی اکبر و بیژن بیدآباد: **سیاست های پولی و ارزی مناسب جهت**
تثبیت فعالیت های اقتصادی در ایران، طرح تحقیقاتی مرحله دوم، وزارت
اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، ۱۳۷۱.

سیاست های پولی مناسب جهت تثبیت فعالیت های اقتصادی در ایران،
طرح تحقیقاتی مرحله اول وزارت اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی،
۱۳۷۰.

تبیین پولی تورم در اقتصاد ایران و امکانپذیری حصول اهداف برنامه
پنجساله اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران،
وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، ۱۳۶۹.

میشکین، فردریک: *بانکداری مرکزی در جامعه مردم سالاری*، در: چهار مقاله پیرامون بانکداری مرکزی، دکتر علی حسن زاده و نسرین ارضروم چیلر، پژوهشکده پولی و بانکی، تهران، ۱۳۸۲.

نیلی و همکاران: *تحلیل تجربی تورم و قاعده سیاستگذاری پولی در ایران*، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۵.

نیلی، مسعود: *بررسی آثار افزایش حجم پول بر نظام اقتصادی کشور در دو دهه اخیر*، فصلنامه برنامه و توسعه، شماره نهم، ۱۳۶۶.

ب- بیگانه

Law of Afghanistan Bank(2003).

Law of the central Bank of Argentina(1992).

Law of the central Bank of philippinen(1993).

Laws of Malaysia Act701,2009.

Law of the Central Bank of Chile,(1989).

The Bank of Korea Act,. 1998

The Law of the central Bank of the Republic of Turkey No.,1211(1970).

The Money and Banking Act, National Bank of Austria (1984).

Dadkhah, Kamran(1985): *The In flationary Process of the Iranian Economy*,International Journal of Middle East Study,17.

Ikani, Azizollah,(1987): *The Dynamics of Inflation in Iran*, Netherland, Tilbury University Press.